

به مناسبت اعطاء درجه یک هنری به استاد جواد پیشگر

هنر انسان بودن

■ **تحریریه فصلنامه میرداماد** - وقتی از تئاتر، از سینما، تلویزیون، عکاسی، شعر، نقاشی، طراحی و گرافیک سخن می‌گویید یا در حوزه نقد هنری و هر موضوع ادبی و هنری دیگری با او به گفتگو می‌نشینید، با خود می‌گویید لابد تخصص او تئاتر، نه ... سینما ... که نه ... تلویزیون ... رادیو ... نه! نه! شعر و شاید گرافیک است! اگر تخصص او کارگردانی تئاتر است، پس چرا اینقدر از نقاشی و گرافیک و طراحی می‌داند و چقدر زیبا هر موضوع هنری و ادبی را نقد می‌کند. وقتی از کارنامه هنری او می‌پرسی، چیز زیادی نمی‌گوید. وقتی می‌خواهی در مورد افتخارات خودش صحبت کند و یا شخصیت کسی را به نقد بکشد، سخت گفتار و خسیس البیان می‌شود. اما در مورد هر موضوع هنری و ادبی ساعت‌ها به صحبت می‌نشیند. وقتی دست‌نوشته خودت را به او می‌دهی یا طرح ذهنی خودت را برای ساخت یک نمایش یا یک فیلم مطرح می‌کنی، ساعت‌ها وقت می‌گذارد و بی‌مذايقه - و البته بدون تعارف - راهنمایی می‌کند. اما اگر بخواهی با هزار طرفند و زیرکی یک جمله منفی در مورد کسی از زیر زبانش بکشی، غیرممکن است زبان باز کند. تاکنون نشنیدیم در مورد کسی با حُب و بغض سخن بگوید، اما اهل تملق و چاپلوسی و بذل و بخشش عناوین و تعریف بی‌جا هم نیست. سابقه هنری‌اش را که بررسی می‌کنی، در هر رشته ادبی و هنری کاری انجام داده، ولی فقط برای خودش، نه برای این که در آن زمینه ادعایی کند و خود را اهل آن هنر بداند. کارهایش مختصر و کم‌تعداد، اما فاخر و ماندگاراند. با وجود این که جزو نخستین اعضای انجمن سینمای جوانان گرگان است که در نیمه دهه ۱۳۵۰ مستندهای فرهنگی - اجتماعی ساخته، اما باز وقتی ایده مستند شاعرانه‌ای که در ذهن دارد را مطرح می‌کنی، می‌گوید: «دوست دارم یک مستند ساز آن را بسازد!» درحالی که بی‌شک هیچ کس بهتر از خودش قادر به این کار نیست. نگاهی گذرا به مشق‌های او در حوزه مستند و فیلم کوتاه در دهه ۱۳۵۰، بیانگر خلاقیت و توان او در این عرصه است.

به تئاتر عشق می‌ورزد؛ با گوشت و پوست و استخوان با تمام وجودش تئاتر را تجربه کرده و به اندازه هزارن سِرِ پُر تجربه از آن می‌داند. در حوزه گویندگی سابقه درخشانی دارد. سال‌ها برای این که گوش من و شما را به ادبیات درست عادت دهد و ما را با آثار بزرگ ادبیات جهان آشنا کند، با موانع جدی مبارزه کرده، نان خودش را بریده، اما تن به کار سخیف نداده است. قدردان استادان خود است و در مقابل شاگردان قابل و مستعد و خلاق، خود را تا حد شاگردی پایین می‌آورد. وقتی از آثار فاخر و موفق او سخن می‌گویی، اصرار دارد از تمام کسانی که او را در آن اثر همراهی کرده‌اند یاد کند، تا مباد اثری را به نام خود مصادره کرده باشد!

ذاتاً هنرمند و ادیب است و گنجینه‌ای پُر بها از هنر و ادبیات در ذهن و دل دارد. اما در زندگی فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده؛ سختی‌ها، بی‌وفایی‌ها، ناسپاسی‌ها و نداری‌های زیادی را تجربه کرده و خم به ابرو نیاورده، اما کج‌فهمی‌ها، نفهمی‌ها، بی‌سوادی‌ها، بی‌مایگی‌ها، سطحی‌نگری‌ها و خودفروشی‌ها در هنر و ادبیات، زود از کوره‌اش به‌در می‌برد.

با آگاهی از این‌که در سال‌های شکوفایی و بالیدن در تئاتر، چه کسانی زیر پای او را خالی کرده‌اند، نام آن‌ها را با شیطننت به زبان می‌آوری تا واکنش او را ببینی، اما انگار نه انگار همینان بودند که - بدون هیچ تغییری در رفتار و گفتارش، در مورد کارهای آنان صحبت و به نقاط قوت و ضعف کارشان اشاره می‌کند، اما در مورد شخصیت آن‌ها و آن‌چه با او کردند چیزی نمی‌شنوی.

تشنه‌ی هم‌صحبتی در حوزه ادبیات و هنر و نقد سازنده است. وقتی از کافه «موسی ده فرمان» و شعرخوانی‌ها و بحث‌های ادبی... تا پیاده‌روی‌ها و گپ‌وگفت آخر شب در خیابان‌های گرگان با یاران قدیم سخن می‌گوید، شوق و حسرت توأمان در وجودش موج می‌زند.

قبل از هر چیز انسان است و شریف ... و اما بعد، استاد مسلم است. گنجینه‌ای که اکنون در حاشیه‌ی زادگاه خود، بدون حاشیه زندگی می‌کند. گنجی که نسل من و ما نه او را کشف، که هزارگاهی می‌خواهیم تکه‌ای از آن را خرج بیهودگی‌هایمان می‌کنیم. داشتن درجه‌ها، امتیازات، تقدیرنامه‌ها و



امثال آن، معیار قابل اعتماد و اعتنایی در سنجش جایگاه هنری و ارزش کیفی آثار یک هنرمند نیست؛ چنان‌که استاد جواد پیشگر چه حایز درجه و امتیاز هنری باشد و چه نباشد، بدون شک یکی از شاخص‌ترین و ممتازترین چهره‌های هنری استان گلستان هست و خواهد بود. با این وجود بر خود لازم می‌دانیم اعطاء درجه یک هنری به پیشکسوت کارگردانی تئاتر استان گلستان و کشور، گوینده رادیو ایران، شاعر، نویسنده و منتقد تئاتر و سینما، استاد جواد پیشگر را به جامعه هنری ایران تبریک عرض کنیم. روزی که این یادداشت را بخواند، خرده خواهد گرفت که این همه تعریف و تمجید برای چیست؟ اما چه خوشش بیاید و چه نیاید، این باور ماست، بی‌مبالغه و بزرگنمایی! یادآوری گوشه‌ای از آن‌چه که هست با زبانی الکن و ادبیاتی علیل. اصلاً این یادداشت برای جواد پیشگر نوشته نشده که بخواد خوشش بیاید یا نیاید، برای دیگران است، برای یادآوری به خودمان!

داستان باغ وحش - کارگردان: جواد پیشگر

دانشکده هنرهای زیبا - ۱۳۶۵

با بازی عباس شادروان و جواد پیشگر